

بازشناسی اصول خانه‌های سنتی یزد در پاسخگویی به نیازهای اساسی روانشناختی؛ براساس تئوری برخاسته از زمینه*

مریم سلیمانی^{۱*}، کاظم مندگاری^۲

^۱ کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

^۲ استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۳/۶، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۱۰/۱۵)

چکیده

هدف پژوهش، دستیابی به بخشی از دانش کاربردی، برای پاسخگویی به نیازهای اساسی روانشناختی در معماری امروزی است. محقق از میان نیازهای روانشناختی، دو نیاز ابراز وجود و احراز وجود را مورد تأکید قرار داده و سعی کرده با روش «تئوری برخاسته از زمینه»، به شناسایی معیارهای خانه‌های سنتی یزد در پاسخگویی به این نیازها بپردازد؛ تا بتواند، ضمن تداوم ارزش‌های معماری گذشته، معیارهای معماری سازگار با نیازهای انسان را تبیین کند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق با ادراک‌کنندگان محیط بعنوان متخصصانی آشنا با فضاهای مورد بحث، حاصل و با کدگذاری تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌ها نشان می‌دهند بناهای سنتی، با ایجاد شرایطی چون «سازماندهی قلمرو شخصی»، «سازماندهی حس تعلق خاطر»، «سازماندهی تمرکز درون فردی» و «سازماندهی ارتباطات اجتماعی» به ترتیب زمینه‌ساز پدیده‌هایی چون ۱- آزادی عمل و استقلال فردی، کنترل حریم شخصی و میزان محرمانگی؛ ۲- پایداری حسی، خوانایی فضا، همذات‌پنداری با فضا؛ ۳- آرامش ذهنی، تمرکز حواس ۴- سلسله مراتب میزان محرمانگی، دسته‌بندی انواع اجتماعات، افزایش اتحاد جمعی، کنترل، تسهیل و تقویت ارتباطات جمعی؛ شده که پیامدهایی چون «امنیت روانی»، «هویت بخشی»، «خودسازی» و «مشارکت مفید اجتماعی» داشته است. همچنین، راهکارهای بکاررفته در پاسخگویی به این نیازها نیز در طول تحقیق استخراج و ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی

نیازهای اساسی روانشناختی، احراز وجود، ابراز وجود، خانه‌های سنتی یزد.

*مقاله حاضر برگرفته از رساله کارشناسی ارشد نگارنده اول، تحت عنوان «ارزیابی خانه‌های سنتی یزد در پاسخگویی به نیازهای روان-جمعی» است که به راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره دکتر حمیدمحمدی در دانشگاه یزد صورت گرفته است.
**نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۶۳۹۹۲۸۶۵، شماره: ۰۶۶-۴۲۶۰۰۵۷۵، E-mail: soleimani.raha@yahoo.com

مقدمه

خواهد شد (مایس، ۱۳۸۷). از همین رو معماری به عنوان یک محیط سکونتی باید وسیله‌ای را ارائه دهد تا به انسان پایگاه وجودی بخشد (شولتز، ۱۳۸۱) و پاسخگوی نیازهای انسان به ویژه نیازهای روانشناختی او باشد. شرایطی که معماری سنتی همواره تابع آن بوده، و سعی داشته با حمایت از موجودیت انسان در طلب به تعادل رساندن دنیای مادی و روانی وی، هر دو جنبه کمی و کیفی را در معماری خویش پاسخ دهد (اردلان، بختیار، ۱۳۹۰). بنابراین به نظر می‌رسد پیام معماری سنتی و ارزش‌های آن در پاسخگویی به ابعاد وجودی انسان می‌تواند سر لوحه کار معماران امروز قرار گیرد. از همین رو نگارندگان با توجه به ضرورت در نظر گرفتن ابعاد روانشناختی انسان در فضاهای سکونتی و ارزش‌های معماری سنتی، سعی کرده‌اند به بازشناسی اصول معماری سنتی یزد در پاسخگویی به نیازهای روانشناختی از جمله «احراز وجود» و «ابراز وجود» در تعاملات بین فردی و درون فردی، بپردازند. تا از این طریق بتوانند با اتکا به تجربیات شخصی و نظر مصاحبه‌شوندگان در روش زمینه‌ای، امکان شناسایی راهکارهای معماری سنتی در پاسخگویی به این نیازها و تأثیرات ناشی از این شرایط محیطی را فراهم سازند و بتوانند زمینه‌ساز ارتقای کیفیت معماری معاصر در پاسخگویی به نیازهای روانشناختی و تداوم ارزش‌های معماری سنتی باشند.

اگر بشر زمانی پیوسته در همزیستی با طبیعت‌اش، در فضایی لبریز از کیفیات به سر می‌برد، امروزه کمتر نشانی از آن حیات جاریه می‌توان یافت. متأسفانه خلق‌کنندگان آثار معماری بدون آنکه رسالتی در برابر سلسله ابعاد وجودی انسان داشته باشند، با نگرش کمی‌گرایانه، فضاهایی تک بعدی را بوجود آوردند که در تضاد با حیات، پوچ و تهی بود (الکساندر، ۱۳۹۰، ۹). وضعیتی که باعث شد انسان، ریشه‌های روحی و روانی خویش را فراموش کند و به سازگاری تحمیلی با محیط برسد. عاملی که در طولانی مدت منجر به از هم گسیختگی روانی انسان می‌شود (الکساندر، ۱۳۸۱؛ یونگ، ۱۳۸۹). این در حالی است که به عقیده ماژلو^۱، ارضای هریک از نیازهای روانشناختی، یک «ارزش» به شمار می‌رود (ماژلو، ۱۳۶۷، ۷۴)، و پاسخ به آنها، شرط لازم برای داشتن یک زندگی سالم است که می‌تواند نتایج ذهنی مطلوبی چون: شادی عمیق‌تر، آرامش درونی، ارضای نیازهای ایمنی و احساسی از آسودگی و فراغت پدید آورند (همان، ۱۵۱). همچنین مطالعات نشان داده‌اند که تشخیص مردم از محیط به میزان زیادی به نیازهای آنها بستگی دارد (لنگ، ۱۳۹۰، ۹۷). و این بدان معناست که انسان برای برآورده کردن نیازهای درونی خود، باید موقعیت مکانی مناسبی داشته باشد. بطوریکه عدم جهت‌گیری بنا، در راستای انتظارات فرد، موجب اضطراب او

۱- نیازهای اساسی روانشناختی

نیاز به ابراز وجود در تعاملات اجتماعی یا طبق مطالب فوق همان شایستگی و پیوستگی و احراز وجود یا استقلال و خودشکوفایی در تعاملات درونفردی را مورد تأمل قرار داده‌اند.^۵

۱-۱- ابراز وجود در تعاملات بین فردی

«با توجه اینکه ارتباط بین فردی، بزرگ‌ترین دستاورد بشری محسوب می‌شود، ارتباط ناموثر، موجب فاصله بین فردی عمیقی می‌گردد که در همه جنبه‌های زندگی و همه‌ی بخش‌های جامعه تجربه می‌شود. نیاز به تعلق داشتن و احترام از سوی دیگران، از طریق روابط عاطفی با شخص یا اشخاص دیگر برآورده می‌شود» (شولتز، ۱۳۸۴، ۳۸۷)، که اشاره به همان نیاز ابراز وجود در تعاملات بین فردی دارد. به عقیده الیوت و گرشام^۶ (۱۹۹۹)، مشارکت با دیگران، آغازگر رابطه بودن، تقاضای کمک‌کردن، تعریف و تمجید و قدردانی کردن، مثال‌هایی از مهارت و رفتارهای اجتماعی و ایجاد رابطه اثربخش با دیگران است که یکی از مهم‌ترین دستاوردهای فردی است. ابراز وجود، یک خواسته‌ی از پیش موجود است، یک مهارت آموخته شده، نه یک صفت که در افراد محدود وجود داشته باشد. لذا وجود شرایطی که امکان بروز این مؤلفه را فراهم نماید

انسان‌ها بواسطه ابعاد وجودی خود، نیازهایی دارند که با پاسخ‌دادن به خود تعین می‌بخشد و همواره در چارچوب قواعد دستوری متعارف در جامعه، سعی در رسیدن به غایت طبیعی خود دارند و در صورتی که نتوانند از این غایت صیانت کنند، دچار بی‌ارزشی می‌شوند (دیرکس، ۱۳۸۴؛ Grouzet et al, 2004). در واقع ارگانیسم زنده دارای یک نظام اولیه، درونی و اساسی از نیازهای روانشناختی می‌باشد که به صورت نظام‌های پیچیده‌تری از رفتار در می‌آیند و عبارتند از: نیاز به «استقلال»^۲ به عنوان ادراک خود برای منبع رفتارهای خویش (Deci & Ryan, 2002) یا خودشکوفایی و قدرداشتن نزد خود (نقل از لنگ، ۱۳۹۰)؛ نیاز به «شایستگی»^۳ منعکس‌کننده نیاز به موثر بودن فرد در تعاملات اجتماعی، کسب فرصت برای ابراز وجود و احساس احترام و تعلق داشتن (Gagné, 2003; Elliot, McGregor & Trash, 2002; Deci & Ryan, 2002 & ماژلو، ۱۳۶۷)، نیاز به «پیوستگی»^۴ شامل نیاز به داشتن روابط مثبت و حس تعلق به گروه یا جامعه (La Guardia et al, 2000)، همچنین احساس پذیرفته شدن از سوی افرادی که علائق مشترکی با فرد دارند، می‌باشد (Krapp, 2005). که از میان این نیازها، نگارندگان به منظور بررسی ژرف‌تر مطالعات،

خواهد شد (Neumann, 1940). این بدان معنی است که اگرچه انسان این نیروی برتر را در چیزی فرای خود و عالم محسوس بیرونی می‌جوید، اما از درون انسان سرچشمه می‌گیرد و انسان را به خویش باز می‌گرداند (شایگان، ۱۳۸۳) و باعث می‌شود انسان در پی این تمرکز درون‌فردی، به آرامشی درونی برسد (تریگ، ۱۳۸۲). تمرکزی که در آن فرد ضمن تنظیم روابط خود با دیگران، از خویشتن خویش غافل نیست و همواره در تلاش است با شناخت عمیق تر وجود خویش، آنچه مقدس است را بروز دهد (وولف، ۱۳۸۶). بطوریکه با صورت بخشی ماوراء طبیعت و معنویات درونی خویش می‌کوشد نگاهش را از ظواهر برگرداند و به خویشتن متوجه کند (کاندینسکی، ۱۳۸۱). بنابراین طبق مطالب فوق می‌توان گفت افراد برای پرداختن به خود و رسیدن به احراز وجود، نیازمند تمرکز درون‌فردی هستند که می‌تواند در محیط بیرون نیز پاسخی داشته باشد (جدول ۱، ۲ و ۳).

۲- هدف تحقیق

هدف تحقیق انجام شده که این مقاله حاصل آن است، بدست آوردن بخشی از دانش کاربردی برای پاسخگویی به نیازهای جدید سکونتی، مطابق با نیازهای اساسی روانشناختی با استفاده از مفاهیم غنی معماری گذشته ایران است. این مطالعه، به بحث راجع به نیازهای اساسی روانشناختی از جمله «احراز وجود» و «ابراز وجود» و نمود آن در خانه‌های سنتی شهر یزد محدود شده است. بنابراین، اهداف اصلی این تحقیق عبارتند از: شناسایی ابعاد کیفی نهفته در آثار گذشتگان به ویژه معماری سنتی یزد در رابطه با دو نیاز ذکر شده است. امری که منجر به تدوam ارزش‌های معماری سنتی در معماری امروزی و دستیابی به الگوهای کیفی برای ارائه معیارهایی جهت ارتقای فضاهای سکونتی امروز می‌شود.

۳- روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع کیفی^{۱۳} است که بر مبنای رویکرد استقرایی و به روش «تئوری برخاسته از زمینه»^{۱۴} انجام شده است. در این راستا، از آنجا که میزان ژرف‌نگری محقق و امکان مصاحبه‌های عمیق با ساکنین، یکی از عوامل اصلی انجام پژوهش‌های کیفی است؛ حضور مستمر محقق و داشتن تعلق خاطر شخصی به محیط مورد بررسی و حضور پیوسته کاربران در فضاهای مورد بحث، یکی از معیارهای مهم در انتخاب نمونه‌های موردی بوده است.^{۱۵} از همین رواج میان خانه‌های سنتی یزد، نمونه‌هایی از این خانه‌ها بعنوان نمونه موردی در نظر گرفته شده‌اند که امکان حضور مستمر در آن و مصاحبه‌های پیوسته با بهره‌برداران فعلی آن برقرار باشد، از همین رو مجموعه هشت گونه از خانه‌های سنتی متعلق به دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه یزد انتخاب گردیدند که از نظر موقعیت استقرار تقریباً در یک محدوده مکانی قرار دارند. از سوی دیگر به منظور مطالعات عمیق در پژوهش‌های میدانی،

باعث می‌شود روابط بین فردی بهبود یابد و افراد به خود اعتماد بیشتری یابند (Lin et al, 2004). به عقیده هارجی، دیکسون و ساندرز^{۱۶} (۲۰۰۴)، وجود شرایطی برای ابراز وجود، بدین منظور طرح‌ریزی می‌شود که عقاید و رفتارهای جرأت‌مندانه‌ی افراد را بهبود بخشد؛ به طوریکه آنها بتوانند: با دیدی بهتر به خود نگریند، به «خوداعتمادی» برسند، به طور مناسب عواطف و تفکرات فردی خود را نشان دهند و در نتیجه روابط میان فردی مؤثری را با دیگران برقرار نمایند. آزایس، گرانگر، دبری و داکوکس^{۱۷} (۱۹۹۹)، در بررسی خود به این نتیجه رسیدند که ابراز وجود در تعاملات اجتماعی، سبب بهبود سازگاری می‌شود و کنش ناموفق آن، سبب افزایش اضطراب، افسردگی و اختلالات شخصیتی می‌شود. از سوی دیگر نتایج پژوهش وردین^{۱۸} و همکارانش (۱۹۹۰)، نشان داده است که برقراری تعاملات اجتماعی و کسب مهارت‌های اجتماعی برای ابراز وجود، موجب بهبودی قابل توجهی در فعالیت‌ها و رفتار افراد و همچنین اعتماد به نفس آنها می‌شود. رحیمیان بوگر و همکاران (۱۳۸۶)؛ بیان می‌دارند که ابراز وجود در شرایط تعاملات اجتماعی- رفت و آمدهای خانوادگی، میل به ازدواج و دوست داشته شدن، عضویت در گروه‌های مختلف، پذیرش در جمع‌های دوستان، جلسه‌های مذهبی، انجمن‌های تخصصی و... بروز می‌یابد و باعث کسب مهارت اجتماعی و احساس احترام و تعلق داشتن به جمعی از دوستان و در وجود خود خواهند داشت (جدول ۴).

۲-۱- احراز وجود در تعاملات درون فردی

واژه احراز در فرهنگ معین به معنای رسیدن به چیزی اطلاق می‌شود. بنابراین منظور از احراز وجود، پرداختن و توجه به وجود یا همان خود است و مفهوم «خود»^{۱۹}، عبارت است از: تمام ادراکات جسمانی، اجتماعی و روانی فرد در مورد خودش و تجارب گذشته و حال در ارتباط با محیط پیرامون او، و پرداختن به خود یعنی آگاهی شخص از ماهیت، حقیقت و کثیتی است که بخش اصلی وجود هر شخص است (فرهنگی، ۱۳۷۴). «این ارتباط درون فردی، نوعی داد و ستد ارتباطی است که در درون شخص روی می‌دهد» (گیل و آدمز، ۱۳۸۴، ۳۱)، و نوعی خودکاو و درون‌نگری است که باعث می‌شود فرد، توانایی‌ها و محدودیت‌های خود را خوبی بشناسد تا بتواند در فرصت مناسب اقدامات لازم را انجام دهد (رستگار، ۱۳۸۹). عاملی که به گفته‌ی مازلو منجر به شناخت فردی و در نتیجه شکوفایی استعدادهای بالقوه او خواهد شد (شولتز، ۱۳۸۴). از سوی دیگر، انسان علاوه بر شناخت توانایی‌ها و قابلیت‌های خویش، به واسطه بُعد روحی خود در ارتباط با عالم ماوراءالطبیعه و گرایش‌های فطری برخاسته از آن، همواره به نیرویی فراتر از وجود خود به نام فرا«من» گرایش دارد.^{۲۰} نیرویی که در مکان‌های مختلف نام‌های متفاوتی را به خود گرفته است (دیرکس، ۱۳۸۴). این نام‌ها هرچند متفاوت‌اند، اما همگی به وجود مطلق، جلال و شکوه خداوند اشاره دارند که به نوعی نیروی فعال معنوی است (Rudolf, 1963). میل به گرنش در برابر خدای متعال^{۲۱} که در نهاد انسان تعبیه شده است، منجر به بروز تعاملات درون فردی

داده‌ها؛ ۲- درگیر بودن مستمر محقق با پدیده؛ ۳- مشارکت بعضی شرکت‌کنندگان در فرآیند پژوهش و ۴- اعمال اصلاحات و اظهار نظرات پژوهشگران خبره در زمینه‌های مرتبط با موضوع تحقیق.

۴- یافته‌های پژوهش

محقق بعد از استخراج داده‌ها، با استفاده از شیوه «رهیافت نظام‌مند»^{۱۶}، به تجزیه و تحلیل داده‌ها و تبیین یافته‌ها پرداخته است. براساس این شیوه، نظریه‌پردازی در سه گام اصلی انجام می‌شود: الف) کدگذاری باز که با تجزیه و تحلیل دقیق داده‌ها به نامگذاری، مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی پدیده‌ها می‌پردازد. لازم به ذکر است نام‌های انتخابی فراگیرند و بیشترین قرابت را با مبانی نظری از پیش موجود دارند؛ ب) کدگذاری محوری که با استفاده از یک مدل پارادایمی (مدل الگویی یا سرمشق) که

دانشجویان رشته معماری به عنوان متخصصانی آشنا با فضاهای مورد بحث به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شدند؛ که از میان آنها بیست نفر انتخاب گردید. در این روش محقق به مدت یک سال و نیم، در این فضاها سنتی حضور یافته و به موازات ثبت تجربیات شخصی مرتبط با دو نیاز مورد بررسی، به مصاحبه‌های عمیق پرداخته است. محقق در طی روند مصاحبه، در جستجوی اسکیمای ذهنی و ارزیابی نمود دنیای «احراز وجود» و «ابراز وجود» در کیفیت بناها، از مصاحبه‌شونده می‌خواست: «الف) کیفیت فضاهای خانه‌های سنتی را در رابطه با دو نیاز مورد بررسی توصیف کنند؟؛ ب) فضاها یا عواملی که پاسخگوی نیاز به تمرکز درون فردی و امکان تعاملات اجتماعی را فراهم می‌کنند را با ذکر دلیل بیان کنند؟ ج) تأثیراتی که از این شرایط محیطی می‌گیرند را شرح دهند؟ برای روایی و پایایی تحقیق، رویکرد نظامندی برای استنتاج تئوری‌ها استفاده شده که عبارتند از: ۱- تعدد روش و منابع جمع‌آوری

جدول ۱- کدگذاری باز- مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده از متن مصاحبه‌ها.

مقوله هسته: امکان پرداختن به خود و ایجاد تأملات درونی - (احراز وجود)	
مقوله عمده	مفاهیم اولیه
سازماندهی قلمرو شخصی	R۱: شخصی سازی فضاها از طریق انعطاف پذیری جداره‌ها در تنظیم میزان محصوریت فضا ایجاد شده است.
	R۲: فضاها عمومی مثل حیاط با استفاده از حوض و باغچه‌ها به چندین قلمرو و عرصه تقسیم شده‌اند.
	R۳: مرزبندی ناملموس و مجازی فضا از طریق سلسله مراتب تاریکی و روشنایی نور دو نوع فضا ایجاد کرده که معمولاً در قسمت تاریکی حریم بیشتری را احساس می‌کنم.
	R۴: شکل چندبخشی بعضی از اتاق‌های بزرگ تر باعث تفکیک فضایی و ایجاد مرزبندی حریم‌ها شده است.
	R۵: پله‌ها و ایوان حیاط نوعی مرز کالبدی برای جدا کردن فضاها از هم ایجاد کرده است.
	R۶: ورود به حریم داخلی با گذر از آستانه‌های مختلف (مثل هشتی دالان) است که در صورت اجازه می‌توان وارد حریم داخلی شد.
	R۷: تناسب و شکل اتاق‌های کوچک، حس خلوت شخصی را تقویت می‌کند.
	R۸: توجه به حریم شخصی با ایجاد اتاق‌های دنج و کوچک (در ابعاد فردی) در کنار اتاق‌های بزرگ و عمومی.
	R۹: طاق‌های ایوان، ورودی یا راهروها بعنوان آستانه جداکننده دو فضا است که با اینکه شفاف است اما تفکیک‌کننده است.
تطابق مصادیق مورد رجوع در نمونه‌های مورد بررسی با کدهای استخراج شده	
R۲: حیاط بزرگ- حداقل چهار قلمرو	R۲-۵: گودال باغچه- حداقل هشت قلمرو
R۴: چهار صفا حداقل چهار قلمرو	
R۴: شکل چندبخشی اتاق‌ها (شکم دریده و کلاه فرنگی)	R۵: عرصه بندی عمودی با ایوان‌ها
R۳: امکان تنظیم محدوده خلوت با تغییر میزان روشنایی	R۷-۸: اتاق فردی- قلمرو شخصی

نتایج دو مرحله قبلی انجام می‌شود. این کدگذاری به تولید تئوری پرداخته و به این ترتیب مقوله محوری را به شکلی نظام مند به دیگر مقوله‌ها ربط داده و روابط را در چارچوب یک روایت روشن می‌کند (همان، ۱۳۸۵). نتایج حاصل از هر مرحله در ادامه بیان شده‌اند.

متضمن شرایط علی، ایده محوری، زمینه، شرایط میانجی، راهبردهای (استراتژی‌های) و پیامدها است باعث برقراری رابطه علت و معلولی بین مقوله‌ها می‌شود (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵) و ج) کدگذاری انتخابی، مرحله اصلی نظریه‌پردازی است که براساس

جدول ۲- کدگذاری باز- مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده از متن مصاحبه‌ها.

مقوله هسته: امکان پرداختن به خود و ایجاد تأملات درونی - (احراز وجود)				
مقوله عمده		مفاهیم اولیه		
سازماندهی حریم فضاهای درونی	سلسله مراتب ورود	R1: دسترسی غیرمستقیم به حریم شخصی بواسطه سلسله مراتب ورودی باعث شده فضای درونی محفوظ شود.		
	همارتفاعی بناهای همجوار	R2: دیده نشدن از جانب همسایگان بواسطه هم ارتفاعی بناهای همجوار، امنیت حریم شخصی را ارتقاء داده است.		
	عدم گشودگی به بیرون	R3: گشودگی اتاق‌ها به حیاط شخصی محیط را از آمد و شد بیرون حفظ می‌کند که تقویت کننده حریم شخصی است. (منظور از حریم شخصی محدوده خصوصی محدود به خودم است)		
	حفاظت‌های مانع دید	R4: نقوش ریز نقش ارسی‌ها در عین تأمین نور، مانع دیده شدن کامل درون اتاق شده که ایجاد امنیت می‌کند. (منظور از امنیت احساس ایمن بودن از دیده شدن و حفظ حریم شخصی است)		
	سلسله مراتب ورود به اتاق‌ها	R5: سلسله مراتب ورود به اتاق‌ها (از طریق پله یا ایوان‌ها) به فضاها اعتبار و امنیت می‌دهد بطوریکه اتاق خیلی "دم دستی" نیست. (یعنی هر کسی به راحتی نمی‌تواند وارد شود.)		
	حریم گودال باغچه	R6: برای فکر کردن به حیاط نارنجستان می‌روم زیرا در معرض دید نیستیم و می‌توانم خلوت خوبی داشته باشم.		
تطابق مصادیق مورد رجوع در نمونه‌های مورد بررسی با کدهای استخراج شده.				
				
	R2: حیاط پیرنیا و مرتاض	R3	R5-R1	
مقوله عمده		مفاهیم اولیه		
سازماندهی عوامل تداعی‌کننده و احساس تعلق خاطر	عناصر خاطره‌ساز	R1: عناصر و جزئیات این فضاها خاطره‌ساز است و برایم مثل خانه‌ی مادر بزرگ دلنشین‌اند.		
	عوامل ذهن‌آشنا	R2: وجود طبیعت و مصالح خاکی پایبندی حسی ایجاد کرده بطوریکه انگار با من همساز و یکی شده است.		
	وجود طبیعت	R3: حیاط و عناصر طبیعی آن در جریان زیستن هستند و نه در حاشیه (یعنی حیاط فقط برای دسترسی یا فضای خدماتی نیست یک بخش اصلی از فضای زیستن است) و این باعث می‌شود روحیه‌ام بواسطه ارتباط مکرر با هوای آزاد و طبیعت (عناصر خواستنی) هر لحظه سرزنده‌تر شود.		
	مصالح زنده	R4: عناصر طبیعی مثل آب، خاک، درختان، قاپکردن آسمان پاسخگوی نیاز ذاتی ما به طبیعت است که باعث شده فضا خودمانی‌تر به نظر بیاید.		
	جایی برای اشیاء شخصی	R5: تزیینات ذهن‌آشنا باعث می‌شود فکر کنم قبلاً با این مکان تعلق داشته‌ام و برایم آرام و قرار می‌آورد.		
	ایجاد سکوت		R6: نصب و قرار دادن اشیای مورد علاقه در طاقچه‌ها حس تعلق به فضاها را برایم افزایش می‌دهد.	
			R7: مصالح زنده مثل خشت و گل با من هم‌سرایی می‌کند که روح بخش است. امامتلاً سیمان با من بیگانه است.	
			R8: امکان شنیدن صدای پرندگان بعنوان صدای آشنا در کنار سکوت فضاها، صمیمت فضا را افزایش داده است.	
تطابق مصادیق مورد رجوع در نمونه‌های مورد بررسی با کدهای استخراج شده				
				
	R8 - R5 - R4 - R3 - R2 - R1		R5 - R6 - R7	

جدول ۳- کدگذاری باز- مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده از متن مصاحبه‌ها.

مقوله هسته: امکان پرداختن به خود و ایجاد تأملات درونی - (احراز وجود)			
مقوله عمده	مفاهیم اولیه		
سازماندهی تمرکز درون فردی	R1: سکوت فضاها به خاطر عدم وجود هیاهوی بیرون باعث می‌شود با خودم حرف بزنم، به خودم بپردازم و آرامش داشته باشم.	ایجاد سکوت یکدستی مصالح	
	R1: روزهایی که این مکان‌ها شلوغ باشد برای فکر کردن به فضاهای دنجی که دیده نشوم می‌آیم تا با خودم خلوت کنم، شلوغی حواسم را پرت می‌کند.	دوری از هیاهوی بیرون	
	R2: فضاهای این مکان‌ها حرکتی نیست و تمرکزبخش است و این موضوع ایجاد سکون و تمرکز می‌کند.	فضاهای خلوت	
	R3: گودال باغچه (حیاط نارنجستان) بشدت خلوت خوبی برای فکر کردن برایم ایجاد می‌کند شاید به این دلیل که فرو رفتن در دل زمین و محصوریت را بیشتر القا می‌کند.	هندسه مرکزگرا پیوستگی اجزا	
	R4: تجلی گستره آسمان در حیاط حس خلوت خوبی ایجاد کرده زیرا فکر می‌کنم آسمان عنصری در برگیرنده و وحدت بخشی است.	فرورفتگی در زمین (گودال باغچه)	
	R5: تزیینات بنا در عین تنوع هماهنگ‌اند و وحدت بخش بطوریکه باعث حواس پرتی نمی‌شود.	عناصر و جزئیات وحدت- بخش	
	R6: نگاه کردن به آب حوض میانی ایجاد میکند انگار همه چیز در آب جمع شده و همین حواس را جمع می‌کند.	امکان نشستن و قرار گرفتن	
	R6: حوض آب در وسط عمق فضا را تقویت می‌کند بطوریکه در عین وسعت فضایی نظرا به یک نقطه جلب می‌کند.		
	R6: وجود حوض عامل ایجاد تمرکز و سکون است. اگر نباشد توجه به سمت بدنه‌ها و اطراف جلب می‌شود که تمرکز را از بین می‌برد.	وجود عناصر تمرکز بخش	
	R6: موقعیت میانی حوض وحدت دهنده است و باعث می‌شود ترجیح دهی بنشیننی و فکر کنی ولی اگر در گوشه بود کثرت بدنه‌ها بیشتر دیده می‌شد که حواس را پرت می‌کند.	ایجاد نظم کاهش تجملات	
	R7: نظم بکاررفته در این فضاها ذهن را سریع به یک چیز جمع می‌کند و ذهن در پی پدیده‌های متعدد و مجزا قرار نمی‌گیرد.	توجه به سادگی	
	R7: سادگی این فضاها، یکدستی مصالح، باعث می‌شود دغدغه‌هایی ذهنم کاهش یابد و آرامش ذهنی برسم.	اشکال هم خانواده	
R7: تجملات زیاد باعث می‌شود از خودم دور شوم ولی سادگی این خانه‌ها با شکل‌های مشابه و نظم اجزا باعث شده بیشتر به حال و هوای خودم توجه کنم تا ظاهر محیط.	یکپارچگی جزئیات		
R7: جزئیات این فضاها باهم هماهنگ‌اند و تکمیل کننده هم هستند و هیچ بخشی زیادی خودنمایی نمی‌کند همین نظم و یکپارچگی وحدت بخشی بوجود آورده است.	تجلی گستره آسمان		
R8: در این فضاها تمرکز بخشی بخوبی حس می‌شود مثلاً بعد از طی راهروهای متعدد بلافاصله به یک نقطه اصلی (حیاط) می‌رسیم			
تطابق مصادیق مورد رجوع در نمونه‌های مورد بررسی با کدهای استخراج شده			
			
R4-R5-R6-R7: تکرار و ریتم در مقیاس مشترک همگرایی فضا و پیوستگی اجزا	R7: یکپارچگی رنگ و مصالح	R5-R7: هم خانواده بودن اشکال فضا تناسبات وحدت بخش فضا	R2-R8: هندسه وحدت بخش پلان

کدگذاری باز

از مصاحبه کرده است. بعد از نشانه‌گذاری داده‌ها، مفاهیم حاصل شده تحت کدگذاری ثانویه در قالب مقوله‌های عمده و مقوله‌های هسته طبقه‌بندی شدند (جدول ۱، ۲، ۳ و ۴).

این مرحله بلافاصله بعد از اولین مصاحبه انجام شده و پژوهشگر بعد از هر مصاحبه، اقدام به پیدا کردن مفاهیم و انتخاب برچسب مناسب برای مفاهیم و داده‌های حاصل

جدول ۴- کدگذاری باز- مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها.

مقوله هسته: امکان ارتباطات اجتماعی و ایجاد تعاملات بیرونی- (ابراز وجود)		
مقوله عمده	مفاهیم اولیه	
سازماندهی ارتباطات اجتماعی	قرابت فضاهای مجزا	R۱: قرابت فضاهای مجزا از طریق راهروها و هشتی‌ها امکان ارتباطات را بیشتر کرده و باعث می‌شود با افراد مختلف بیشتر در ارتباط باشیم و همکاری و همکاری داشته باشیم.
	تنوع در ابعاد فضا	
	ایجاد بهانه های اجتماع (ساز حیاط)	R۲: حیاط و طبیعت درون آن همواره مورد پسند افراد زیادی است و این بهانه‌ای برای ارتباطات جمعی و فعالیت‌های جمعی است.
	ایجاد رابط بین فضایی	R۳: ابعاد بزرگ بعضی از اتاق‌ها مثل پنجدری خود به خود عملکردهای جمعی را فراهم می‌کند.
	اتاق در ابعاد جمعی	R۴: فضاهایی مثل حیاط که پروییای زیادی فراهم کرده باعث شده فضا زنده‌تر باشد و بیشتر در تعاملات اجتماعی مفید باشیم.
	کنترل ارتباطات	
	هندسه وحدت بخش	R۵: هندسه وحدت بخش فضاها مثل اتاق‌ها و حیاط حتی هم‌جواری بناها با هم اتحاد بین افراد را بیشتر می‌کند.
	فضاهای اتحاد بخش	R۶: اجتماعاتی که در این خانه‌ها فراهم می‌شود فیلتر شده (منظور دسترسی‌های غیرمستقیم به اندرونی) است از همین رو مورد طبع است و قرار گرفتن در آن خوشایند است.
ایجاد محیط فعال		
دسته بندی انواع اجتماعات	R۷: تعاملات اجتماعی در چند سطح صمیمیت صورت می‌گیرد مثلا ارتباط همسایگی در دم در کنار سکوهای نشیمن، ارتباط دوستانه تر در هشتی خانه، و ارتباطات خویشاوندی در فضاهای درونی.	
فیلتر ارتباطات اجتماعات	R۸: تنوع فضاها در ابعاد و در میزان محرمیت ارتباطات اجتماعی کنترل شده‌ای را فراهم کرده که تعاملات اجتماعی را سازنده‌تر می‌کند.	
تطابق مصادیق مورد رجوع در نمونه‌های مورد بررسی با کدهای استخراج شده.		
		
	R3-R5	R4
		
		R2

کدگذاری محوری

«شرایط میانجی»، این شرایط در راستای تسهیل یا محدودیت راهبردهای (استراتژی‌های) کنش / کنش متقابل در زمینه خاصی عمل می‌کنند (همان، ۱۳۸۵). «پیامدها»، تمامی اعمال (کنش‌ها) و عکس‌العمل‌هایی (واکنش‌ها) که در مقابله با جهت اداره کنترل کردن پدیده‌ها صورت می‌گیرد، پیامدهایی دارد (همان، ۱۳۸۵). «راهکارها»، عبارت است از راهبردهای ایجاد برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده‌های محوری تحت شرایط مشاهده شده خاص (همان، ۱۳۸۵). نتایج حاصل در این مرحله در نمودار آمده است.

هدف این مرحله، برقراری رابطه بین مقولات تولید شده در کدگذاری باز است. این کار با استفاده از یک مدل پارادایمی (مدل الگویی یا سرمشق) انجام می‌شود که در آن «شرایط علی»، به حوادثی یا وقایعی دلالت دارد که به وقوع یا گسترش پدیده‌ای می‌انجامد (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵). «پدیده‌ها»، ایده و فکر محوری، اتفاق یا واقعه‌ای است که سلسله کنش‌ها (از شرایط علی) بدان مربوط می‌شوند (همان، ۱۳۸۵). «شرایط زمینه»، زمینه نشانگر محل وقایع مرتبط با پدیده است (همان، ۱۳۸۵).

نتایج و پیامدها	پدیده‌ها	شرایط علی	
		شرایط زمینه	شرایط میانجی
احساس ایمن بودن و امنیت روانی حفظ خلوت درونی افزایش حریم شخصی افزایش بایبندی حسی افزایش صمیمیت محیط ارتباطات اجتماعی سازگارتر برقراری فعالیت‌های جمعی تعاملات اجتماعی مطبوع‌تر کنترل ارتباطات جمعی آرامش درونی قرار جسمی و روحی سکون و تمرکز فراهم کردن امکان تفکر درونی هم‌سازی بیشتر با محیط خودمانی‌تر شدن فضا خوانایی بیشتر فضا همدات‌پنداری با خویش‌ن	استقلال فضایی شخصی سازی فضا عرصه بندی فضا ایجاد آستانه قلمروها کنترل قلمرو شخصی تمایز فضای شخصی اعتباربخشی به محدوده خصوصی حفظ حرمت اندرونی هویت بخشی به فضا	تجلی عمق فضاها ایجاد فضاهای دنج و شخصی مرزبندی کالبدی- ملموس وجود سلسله مراتب ورودی مرزبندی مجازی- ناملموس ایجاد فضای چندبخشی انعطاف پذیری میزان محصوریت تأکید بر دسترسی‌های غیرمستقیم تفکیک فضایی عدم دید به حریم داخلی	توجه به عناصر خاطره ساز بکار بردن عوامل ذهن آشنا تجلی نیروهای زنده تنوع در میزان محرمیت تنوع در ابعاد فضاهای جمعی قربانیت فضاهای مجزا ایجاد بهانه‌های اجتماع ساز ایجاد محیط زنده و فعال وجود فضاهای وحدت بخش تجلی سکوت تجلی سادگی وجود نشیمن‌گاه
		هم‌ارتفاعی بناهای هم‌جوار هم‌جواری خانه‌های همسایگان با کوچه‌های کم‌عرض وجود ساباط‌ها در کوچه‌ها و تقویت ارتباط‌های همسایگی اجتماعی	ارتباط جمعی بین دانشجویان (ارتباط خویشاوندی ساکنین قدیم بواسطه خانه‌های گسترده فامیلی)
ایجاد هشتی، دالان، پیرنشین‌های ورودی بعنوان فضاهای مختلف دیداری در سلسله مراتب ورود			
تقسیم بندی حیاط از طریق حوض و باغچه‌ها		ارسی‌ها و پنجره‌های قابل تنظیم و متحرک	
مرزبندی از طریق اختلاف ارتفاع (ایوان)- پله- کف سازی متفاوت		فرورفتگی جداره‌ها- طاق‌ها	
پرداخت نور و تاریکی و ایجاد دو عرصه فضایی		در نظر گرفتن اتاق‌های کوچک و شخصی	
چندبخشی بودن اتاق‌های بزرگ مثل شکم دریده		ایجاد نظم، پیوستگی، یکپارچگی در عناصر و جزئیات	
ایجاد تخته‌گاه، ایوان راهرو بعنوان مفصل ارتباطی فضاهای مستقل		گشودگی اتاق‌ها به حیاط شخصی	
پرهیز از تنوع زیاد اشکال و تأکید بر سادگی		فاصله گرفتن از هیاهوی بیرون	
ایجاد اتاق‌های بزرگ و جمعی مثل هفت‌دری- پنج‌دری		یک دستی مصالح و تزیینات هم‌خانواده و تجلی تناسبات	
تأکید بر طبیعت در حیاط بعنوان نیاز جمعی و عامل ذهن آشنا		استفاده از تزیینات مرسوم و ذهن آشنا	
ایجاد عمق فضا در گودال باغچه‌ها یا انعکاس فضا در آب حوض		تأکید بر مرکزیت فضا با حوض و هندسه مرکزگرا	
در نظر گرفتن جایی برای اشیای شخصی (مثل طاقچه‌ها)		تجلی عوامل زنده مثل مصالح زنده کاه‌گل، آجر، سفال	

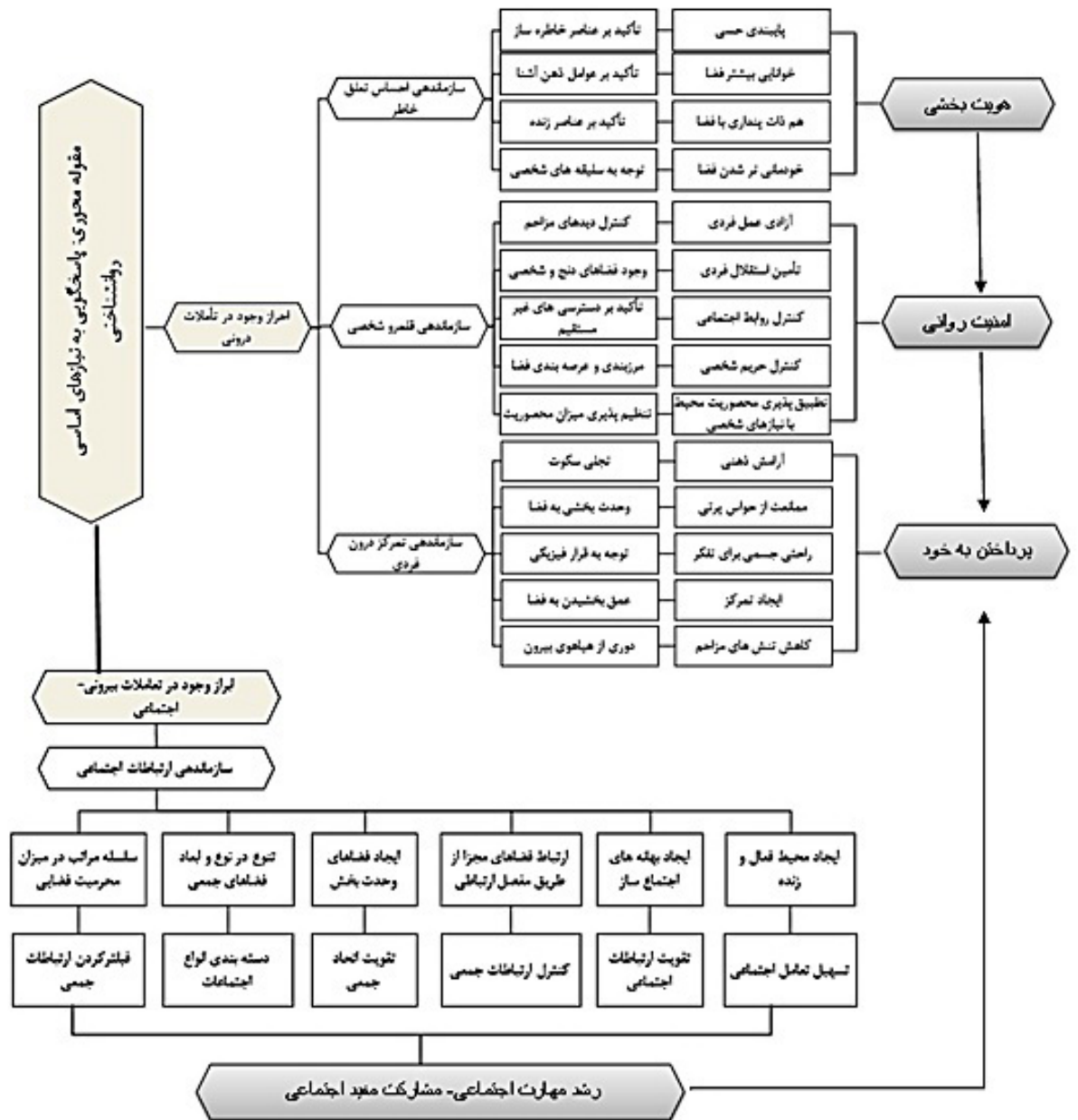
راهکارها

نمودار ۱- نمودار پارادایمی کدگذاری محوری داده‌ها.

کدگذاری انتخابی

مقوله محوری را به شکلی نظام‌مند به دیگر مقوله‌ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت روشن می‌کند؛ همچنین مقوله‌هایی که نیازمند بهبود و توسعه بیشتری هستند را اصلاح می‌کند. در این سطح، سعی می‌شود بین مفاهیم و مقوله‌ها، ارتباطی نظام‌مند ایجاد شود. نتایج بدست آمده در مدل تحلیلی ۱ تبیین شده است.

کدگذاری انتخابی، مرحله اصلی نظریه‌پردازی است که براساس نتایج دو مرحله قبلی که به عنوان مراحل مقدماتی و زمینه‌ساز برای تئوری‌پردازی در نظر گرفته شده‌اند، انجام می‌شود. این کدگذاری به تولید تئوری پرداخته و به این ترتیب



مدل ۱- مدل تحلیلی حاصل از کدگذاری انتخابی داده‌ها.

نتیجه

به این دو نیاز سعی کرده در طراحی بنا به «سازماندهی قلمرو شخصی»، «سازماندهی حس تعلق خاطر»، «سازماندهی تمرکز درون فردی» و «سازماندهی ارتباطات اجتماعی» بپردازد. این عوامل به ترتیب زمینه‌ساز ایجاد «امنیت روانی»، «هویت بخشی»، «خودسازی» (پرداختن به خود) و «مشارکت مفید اجتماعی» (رشد مهارت اجتماعی) شده‌اند. در این راستا یافته‌ها نشان می‌دهد: الف) امنیت روانی تحت شرایطی چون: کنترل دیدهای مزاحم، وجود فضاهای دنج و شخصی، دسترسی‌های غیرمستقیم به حریم شخصی، تأکید بر مرزبندی و عرصه بندی فضاها و قابلیت تنظیم میزان محصوریت فضا ایجاد شده است که زمینه‌ساز آزادی عمل فردی، استقلال فردی، کنترل روابط اجتماعی و متعاقباً کنترل حریم

با توجه به یافته‌های پیشینه‌ی مطالعاتی، دانسته شد که دو نیاز «ابراز وجود» در تعاملات بین فردی و «احراز وجود» در تعاملات درون فردی از جمله نیازهای اساسی روانشناختی است که از پیش در روان انسان موجود و شناخته شده است، که پاسخگویی به آنها در معماری بعنوان محیط سکونت انسان ضرورت پیدا می‌کند و با توجه به اینکه معماری سنتی همواره در صدد حمایت از موجودیت انسان بوده، می‌تواند برای شناسایی مولفه‌های معماری پاسخگو به نیازهای انسان و اصول آن مورد رجوع باشند. در این پژوهش یافته‌های بدست آمده از ارزیابی کیفیت خانه‌های سنتی یزد در پاسخگویی به این نیازها (طی فرایند پژوهش میدانی) نشان می‌دهد: معمار سنتی برای پاسخگویی

شخصی و تطبیق میزان محرمیت، متناسب با نیاز خاص است. (ب) هویت بخشی از طریق تأکید بر عناصر خاطره ساز، تأکید بر عوامل ذهن آشنا، تجلی عناصر زنده و توجه به سلیقه های شخصی محقق شده و موجب پایداری حسی (پایداری وجودی)، خواناتر بودن فضا، احساس همذات پنداری با فضا و خودمانی تر شدن فضا شده است.

(ج) خودسازی در شرایطی چون وجود سکوت و دور بودن از هیاهوی بیرون، فضاهای وحدت بخش، امکان رسیدن به قرار فیزیکی و عمق بخشیدن به فضا حول یک چیز (مرکزگرایی) شکل گرفته، که منجر به آرامش ذهنی در پی کاهش تنش های

مزاحم، تمرکز حواس برای تفکر شده است.

(د) مشارکت مفید اجتماعی در بناهای سنتی طی چند راهکار از جمله ایجاد سلسله مراتب در میزان محرمیت فضایی و تنوع در نوع و ابعاد فضاهای جمعی برای فیلتر کردن ارتباط جمعی و دسته بندی انواع اجتماعات بر حسب میزان آشنایی با افراد، ایجاد فضاهای وحدت بخش برای افزایش اتحاد جمعی، ایجاد واسطه بین اتاق های مستقل برای کنترل روابط جمعی، ایجاد بهانه های اجتماع سازی که همواره مورد طلب افراد باشد (مثل طبیعت و ...) و ایجاد محیط فعال و زنده با اتکا به عناصر زنده برای تسهیل و تقویت ارتباطات جمعی؛ شکل گرفته است.

پی نوشت ها

علی اکبری، پرهام نقش، تهران.

الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۱)، معماری و راز جاودانگی، راه بیزمان ساختن، مترجم: مهرداد قیومی بیدهندی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

تریگ، راجر (۱۳۸۲)، دیدگاه هایی درباره سرشت آدمی، مترجم: جمعی از مترجمان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

دیرکس، هانس (۱۳۸۴)، انسان شناسی فلسفی، مترجم: محمدرضا بهشتی، چ دوم، انتشارات هرمس، تهران.

رستگار، عباس علی (۱۳۸۹)، معنویت در سازمان با رویکرد روانشناختی، چاپ اول، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم.

رحیمیان بوگر، اسحق؛ شاره، حسین؛ حبیبی عسگرآباد، مجتبی و بشارت، محمد علی (۱۳۸۶)، بررسی تأثیر شیوه های جرأت ورزی بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان پسر و دختر دوره راهنمایی شهرضا، فصلنامه نوآوری آموزش، شماره ۲۳، دوره ۶، صص ۲۹-۵۴.

شایگان، داریوش (۱۳۸۳)، بت های ذهنی و خاطره ازلی، چ ششم، انتشارات امیرکبیر، تهران.

شولتز، الکساندر (۱۳۸۴)، نظریه های شخصیت، مترجم: یوسف کریمی و همکاران، چاپ پنجم، نشر اسبازان، تهران.

شولتز، کریستین (۱۳۸۱)، مفهوم سکونت، به سوی معماری تمثیلی، مترجم: محمود امیریاراحمدی، انتشارات آگاه، تهران.

فرهنگی، علی اکبر (۱۳۷۴)، ارتباطات انسانی، چاپ دوم، موسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران.

کاندینسکی، واسیلی (۱۳۸۱)، معنویت در هنر: مجموعه مقالات، مترجم: هوشنگ وزیر، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.

گیل، دیوید، ادمز، بریجیت (۱۳۸۴)، الفبای ارتباطات، مترجم: جمعی از مترجمان، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.

لنگ، جان (۱۳۹۰)، آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، مترجم: علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

مازلو، آبراهام (۱۳۶۷)، انگیزش و شخصیت، مترجم: احمد رضوانی، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، مشهد.

مایس، پیرفون (۱۳۸۷)، عناصر معماری از فرم به مکان، مترجم: مجتبی دولخواه، انتشارات چوگان، تهران.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، فطرت، چ ششم، انتشارات صدرا، تهران.

وولف، دیوید، ام (۱۳۸۶)، روانشناسی دین، مترجم: محمد دهقانی، رشد، تهران.

یونگ، کارل. گوستاو (۱۳۸۹)، انسان و سمبل هایش، مترجم: محمود سلطانی، انتشارات جامی، تهران.

یونگ، کارل گوستاو (۱۳۵۴)، روانشناسی دین، ترجمه: فواد روحانی، چ دوم، انتشارات امیرکبیر، تهران.

Azais, f; Granger, B; Debray, Q & Ducroix, C (1999), Cognitive and Emotional Approach to Assertiveness, *Encephale*, 25 (4), 353-357.

1 Maslow.

2 Independence.

3 Competency.

4 Pertain.

۵ نام گذاری این نیازها در پی تحقیقات زمینه ای که از افراد صورت گرفت انتخاب شدند و از نظر مضمون با انواع نیازهای اساسی روانشناختی که بیان شده است، هم پوشانی دارد. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به پایان نامه «ارزیابی خانه های سنتی یزد در پاسخگویی به نیازهای روان - جمعی»، از مریم سلیمانی. لازم به ذکر است که ماژلو این نیازها را در قالب نیاز به خودشکوفایی و عشق و محبت و احترام و زیباشناختی مطرح کرده است.

6 Elliot & Gresham.

7 Hargie, Saunders & Dickson.

8 Azais, Granger, Debray & Ducroix.

9 Verdun.

10 Oneself.

۱۱ مطهری در رویکردی فلسفی در این باره بیان می دارد که: اینکه بشردر جستجوی خدا برآمده است به علت همین بوده است که «اصل علیت» بر روحش حاکم بوده است. یعنی در جستجوی علت ها بوده است و این عین این مطلب است که «عامل» در وجود انسان است (مطهری، ۱۳۷۳، ۶۸).

۱۲ به شهادت باستان شناسان و دیرینه شناسان، «پرستش» در میان انسان های اولیه هم بوده است. گرایشی که به عقیده یونگ یکی از قدیمی ترین و عمومی ترین تظاهرات روح انسانی در تجلی گرایش به نیروی فرا-من است؛ و واضح است که به راحتی نمیتوان این حقیقت را نادیده گرفت (یونگ، ۱۳۵۴، ۱).

13 Qualitative.

14 Grounded Theory.

۱۵ محقق دوره تحصیل خود را در دانشکده هنر و معماری یزد که در کالبد خانه های سنتی یزد برگزار می شد، گذرانده است. لذا حضور مستمر در این خانه و تعلق خاطر بدان و امکان مصاحبه و مشاهده های روزانه در طی یکسال و نیم تحصیل در این خانه ها، فراهم بوده است.

۱۶ به نام اثر استراوس - کوربین.

فهرست منابع

استراوس، انسلم، آ؛ کوربین، جولیت (۱۳۸۵)، اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی؛ رویه ها و شیوه ها، مترجم: بیوک محمودی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

اردلان، نادر؛ بختیاری، لادن (۱۳۹۰)، حس وحدت، مترجم: ونداد جلیلی، موسسه علمی پژوهشی علم معمار روپال، تهران.

الکساندر، کریستوفر (۱۳۹۰)، سرشت نظم، مترجم: رضا سیروس صبری،

Within person variation in security of attachment: A Self-Determination Theory perspective on attachment, need fulfillment, and well-being, *Journal of Personality and Social Psychology*, 79, 367-384.

Lin, Y. R.; Shiah, I. S.; Chang, Y. C.; Lai, T. J.; Wang, K. Y. & Chou, K. R. (2004), *E- Valuation of an assertiveness training program on nursing Instruction*, *Nurse Educ*, 13, 423-439

Neumann, E (1940), *Der mystische Mensch*, Eranos Jahrbuch, Zürich.

Rudolf, O (1963), *Das heilige, uber das irrational in der Idea des gottlichen and sein verhältnis zum rationale*, published by Munchen, Verlag C.H. Beck.

Ryan, R. M & Deci, E. L. (2002), Overview of Self-Determination Theory: An Organismic Dialectical perspective. In E. L. Deci, & R. M. Ryan (Eds.), *Handbook of self-determination research*, the University of Rochester Press, Rochester, pp. 3-33, NY.

Verduyn, C.M; Lord, W & Forrest, G.C (1990), Social skills training in schools: an evaluation study, *Journal of Adolescence*, 13, pp. 3-16.

Elliot, S. N; Gresham, F. M (1999), Social skills interventions for children, *Behavior Modification*, 17, 287-313.

Elliot, A. J; McGregor, H. A & Thrash, T. M (2002), The Need for Competence, In E. L. Deci & R. M. Ryan (Eds.), *Handbook of self-determination research* (pp. 361-387), University of Rochester Press, Rochester, NY.

Gagné, M (2003), the Role of autonomy support and autonomy orientation in prosocially behavior engagement, *Motivation and Emotion*, 27, 199-223.

Grouzet, FME; Vallerand, RJ; Thill, EE & Provencher, PJ (2004), From Environmental Factors to Outcomes: a Test of an Integrated Motivational Sequence, *Motivation and Emotion*, 28(4), 331-346.

Hargie, O; Saunders, C & Dickson, D (2004), *Social Skills In interpersonal Communication*, Third edition, Rutledge, London.

Krapp, A (2005), Basic needs and the development of interest and intrinsic Motivational orientations, *Learning and Instruction*, 15, 381-395.

La Guardia, J. G; Ryan, R. M; Couchman, C. E & Deci, E. L (2000),